

مقایسه گرایش سخنرانان مذهبی و سیاسی به کاربرد انواع تابوها در برنامه‌های تلویزیون

سیدمحمد حسینی معصوم*

سیده تکتم حسینی**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی کاربرد تابوهای زبانی در سخنرانی‌ها و مناظره‌های سیاسی و مذهبی در رسانه و مقایسه تنوع این دو است. داده‌های این پژوهش از طریق تلویزیون و یا آرشیوهای اینترنتی برنامه‌های صدا و سیما گردآوری شده و میزان کاربرد تابوهای زبانی و حوزه‌های واژگانی تابوها در گروه سیاسی و مذهبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد استفاده از تابو در سخنرانی‌های تلویزیونی هر دو گروه سیاسی و مذهبی صورت می‌گیرد و هر دو از تابوهای حوزه‌ی واژگانی عمومی بیشتر از سایر حوزه‌ها استفاده می‌شود. نکته قابل توجه این است که سخنرانان سیاسی در تلویزیون احتیاط بیشتری در کلام خود به کار می‌برند، اما گروه مذهبی استفاده بیشتری از تابوها می‌کنند. بیشترین تابوی به کار رفته توسط گروه مذهبی مربوط به حوزه واژگانی عمومی و حیوانات بوده است و کمترین تابوی به کار رفته مربوط به حوزه واژگانی روانی-جسمی و خانواده بوده است. بیشترین تابوی به کار رفته توسط گروه سیاسی مربوط به حوزه عمومی و کمترین تابو در حوزه جنسی و حیوانات بوده است.

کلیدواژه‌ها: تابو، تلویزیون، سخنرانی سیاسی، سخنرانی مذهبی

* دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، hosseiniamsam@gmail.com
** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، toktamhosseini@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴

۱. مقدمه

بعد اجتماعی زبان یکی از زمینه‌های قابل توجه در پژوهش‌های زبان‌شناختی است، زیرا زبان به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان و یک پدیده اجتماعی دارای ویژگی‌های خاصی است که مجموعه آن‌ها در شکل‌گیری هویت و فرهنگ هر جامعه‌ای تأثیر فراوان دارد و در عین حال از جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد. زبان برجسته‌ترین مشخصه انسان است که می‌تواند او را از سایر موجودات تمایز دهد. از آن‌جا که زبان نقش ارتباطی دارد، آن را کاملاً اجتماعی می‌دانند. افراد برای برقراری ارتباط با جامعه از زبان استفاده می‌کنند تا تعامل‌های اجتماعی‌شان شکل بگیرد. ترادگیل (۱۳۷۶، ص ۱۳۱) معتقد است «زبان نظیر سایر اشکال فعالیت اجتماعی باید متناسب با حال و مقام متکلمی باشد که آن را به کار می‌برد». اما کاربرد زبان همیشه به برقراری درک صحیح متقابل نمی‌انجامد و همانطور که یعقوبی (۱۳۸۳) عنوان می‌کند «زبان ابزار اصلی مردم جهان برای ایجاد ارتباط با یکدیگر است، اما برخی به طعنه از آن به‌عنوان رسانه اصلی ایجاد سوءتفاهم بین مردم یاد می‌کنند». در عین حال، جایگاه رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون در گسترش پیام‌های تولیدشده در ساحت زبان بسیار برجسته است، چرا که صدا و سیما تعداد مخاطبان یک پیام را از یک گروه محدود به یک گروه چندین ملیونی تبدیل و اثرگذاری آن را به شدت افزایش می‌دهد.

زبانی که افراد برای ایجاد ارتباط به کار می‌برند باید مورد پسند جامعه باشد تا باعث به‌وجود آمدن سوءتفاهم در میان مردم نشود. رعایت ادب اجتماعی یکی از ارکان مهم تعاملات اجتماعی است. ادب باید در گفتار تمام اشخاص رعایت شود. یول (۱۳۸۳، ص ۸۲) معتقد است که ادب را می‌توان به منزله مفهومی ثابت همچون رفتار اجتماعی مناسب یا آداب معاشرت در نظر گرفت. همچنین، می‌توان برای رفتار مؤدبانه در تعامل اجتماعی یک فرهنگ خاص، اصول کلی گوناگونی را شناسایی کرد. سعید (Said) (۲۰۱۱، ص ۱۱) بیان می‌کند که راهبردهای ادب طبق گفته لوینسون و براون به دو نوع مثبت و منفی دسته بندی می‌شود. ادب جهانی است یعنی در هر جامعه و هر فرهنگی وجود دارد، اما استراتژی‌های ادب بسته به جامعه و فرهنگ متنوع است. گاهی، افراد جامعه در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که قادر به کنترل رفتار زبانی خود نیستند و رفتار زبانی به‌دور از ادب انجام می‌دهند و از واژگانی استفاده می‌کنند که مورد پسند اطرافیان‌شان نیست و باعث آزار دیگران می‌شوند.

شیوه و میزان کنترل رفتار زبانی بستگی به برخی عوامل فردی و موقعیتی دارد. باطنی (۱۳۹۰) عنوان می‌کند که تجربه زندگی به ما آموخته‌است که اگر بخواهیم دیگران را آزوده نسازیم و در برخوردهای اجتماعی خود موفق باشیم، باید رفتار اجتماعی خاصی از خود نشان دهیم که متناسب با موقعیت مورد نظر و نیز متناسب با رابطه اجتماعی ما با دیگران در آن موقعیت باشد. فرکلاف (۱۹۸۹، به نقل از پاک‌نهاد، ۱۳۸۱) در کتاب خود *زبان و قدرت (Language and power)* هدف از تحلیل زبانی را کمک به افزایش آگاهی نسبت به زبان و قدرت، به ویژه نسبت به نحوه توزیع قدرت در میان افراد عنوان می‌کند. هنگامی که افراد برای مخاطبان عام (از طریق تلویزیون) سخنرانی می‌کنند ملاحظات زیادی را در گفتار خود به کار می‌گیرند که در جمع‌های محدود ممکن است رعایت نکنند.

در تمام زبان‌ها اصولی در استفاده از واژگان و عبارات حکم‌فرماست و نمی‌توان هر واژه‌ای را بر زبان آورد و استفاده از بعضی از واژگان ممنوع و خط قرمز محسوب می‌شود. از این دسته از عبارات و واژه‌ها با اصطلاح تابو (Taboo) یاد می‌شود. به گفته باریج، اصطلاح تابو در اواخر قرن ۱۸ وارد زبان انگلیسی شد و در لغت به معنای رفتارهای ممنوعه، نام بردن از حیوانات خطرناک، یا منع از نزدیک شدن به حریم افراد طبقات بالای اجتماع یا سخن گفتن درباره آن‌ها یا صحبت از مفاهیمی همچون مرگ و زایمان بود. در اصطلاح، تابو نوعی تحریم اجتماعی در مورد رفتارهایی است که نفرت‌انگیز یا بی‌ادبانه محسوب می‌شود (باریج، ۲۰۰۶؛ در براون، ۲۰۰۶، ج ۱۳، ص ۴۵۲). در رفتار زبانی، این تابوها در قالب واژه‌هایی بروز می‌کنند که کاربردشان از نظر اهل زبان نامناسب است. در فرهنگ فارسی معین، سه تعریف برای تابو بیان شده است: ۱. حریم اجتماعی یک کلمه یا یک عمل بطور رسمی، ۲. شخص یا جایی که برای افراد یک قبیله تحریم شده باشد، ۳. هرچیز نذری و مقدسی که نزدیک شدن و دست زدن به آن ممنوع شده باشد.

فروید (۱۳۶۲) می‌گوید: «ممنوعیت‌های تابویی بر هیچ استدلالی استوار نیست ولیکن از نظر کسانی که تحت سیطره آن زندگی می‌کنند کاملاً طبیعی است. از نظر فروید سه نوع تابو وجود دارد: ۱. یک تابوی طبیعی یا مستقیم که محمول نیروی جادویی (مانا) است که به شیء یا شخص وابسته است، ۲. تابوی انتقالی یا غیرمستقیم که از همان نیرو منبعث می‌شود، ۳. تابویی واسط بین دو تابوی قبلی که شامل هر دو عامل ذکر شده است.

از دیدگاه بلور و بلور، تابو به واژگانی گفته می‌شود که کاربردشان از نظر اجتماعی ممنوع است و به زبان آوردن آنها می‌تواند موجب رنجش شود. ممکن است داشتن لغاتی

که قرار نیست به کار روند یک بی‌قاعدگی به نظر برسد، ولی در واقع عموماً درک می‌کنند که درجه رنجش با توجه به بافت موقعیت گوینده، مکانی که لغت در آنجا ادا می‌شود شخصی که مورد خطاب قرار می‌گیرد و هرکسی که ممکن است آن لغت به گوشش بخورد تغییر می‌کند (۱۳۹۰، ص ۲۸۱). هنگامی که بحث تلویزیون مطرح می‌شود، کاربرد تابوها حساسیت بیشتری برمی‌انگیزد و ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. جی (Jay) (۲۰۰۰) می‌گوید رسانه‌ها مانند تلویزیون گاهی باعث گسترش کلمات و عبارات ممنوعه می‌شوند.

عنوان تحقیق حاضر بررسی و مقایسه تابوهای زبانی در میان گروه‌های سیاسی و گروه مذهبی در تلویزیون است. تحقیق می‌خواهد به این مسأله پردازد که گروه سیاسی و گروه مذهبی در سخنرانی‌ها و گفتگوهای رسمی خود که در سطح رسانه ملی در یک جامعه پخش می‌شود تا چه میزان از تابوهای زبانی استفاده می‌کنند. استفاده از تابوهای زبانی از سوی افراد مختلف جامعه در برخی موقعیت‌ها چاره‌ناپذیر است، اما در موقعیت‌های اجتماعی خاص همچون سخنرانی تلویزیونی، به ویژه افراد طبقات بالای اجتماع سعی می‌کنند از استفاده از آنها خودداری کنند. با این وجود، گاه به طور ناخودآگاه و گاه با اغراض ویژه، تابوها در سخن به کار می‌روند. در این تحقیق، علاوه بر بررسی تابوهای مورد استفاده در هر یک از این دو گروه، مقایسه‌ای هم میان گروه سیاسی و گروه مذهبی انجام می‌شود.

۲. مبانی نظری

کلمه تابو (taboo) از کلمه تونگانی tabu گرفته شده است و همانطور که گفته شد در اواخر قرن ۱۸ وارد زبان انگلیسی شد و به معنی رفتارها یا واژگان ممنوعه به کار رفت. از دیدگاه مرلان (۲۰۰۶) تابوی کلامی (Verbal taboo) شامل طیفی از اعمال زبانی است که مفاهیمی همچون به‌گویی (euphemism) و جایگزینی واژگان دارای تداعی‌های منفی را در برمی‌گیرد (در براون، ۲۰۰۶، ج ۱۳، ص ۴۶۲). این مفاهیم ممنوعه معمولاً از سوی جامعه زبانی تعیین می‌شود و ویژگی همگانی ندارد. بنابراین امری که در یک جامعه تابو محسوب می‌شود و سخن گفتن مستقیم از آن مطلوب نیست، ممکن است در یک جامعه دیگر تابو نباشد. همچنین عوامل بافتی نظیر مخاطب، زمان و مکان و نوع رسانه ممکن است در تعیین تابوها نقش داشته باشد. مثلاً سخن گفتن در مورد برخی اعضای بدن

در جمع افراد عادی ممکن است تابو باشد، اما در کلاس درس آناتومی این گونه در نظر گرفته نشود. در یک جامعه واحد نیز ممکن است فهرست تابوها و اهمیت آن‌ها در گذر زمان تغییر کند. بعضی تابوها کمرنگ یا محو شوند و برخی پررنگ‌تر و قوی‌تر شوند. مثلاً زمانی بیمه عمر تابو محسوب می‌شد، اما امروزه پذیرفته شده است (همچنین ر.ک. (Zelizer 1981 & 1978)

واژه تابو در زبان فارسی نیز به همین شکل به کار می‌رود، اما در بعضی از تحقیقات دیده شده است که بجای تابو از «دشوآزه» استفاده شده است. از نظر آرلاتو (۱۳۸۴) تابوی زبانی را می‌توان به پرهیز از کاربرد دشوآزه‌هایی معین به دلایل اجتماعی گوناگون تعبیر کرد. شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه تعیین می‌کند که بر مبنای فرهنگ و زبان آن جامعه، گفتن چه واژگانی ممنوع است. کلمات تابو بسیار شایع هستند و شامل شکل‌های مختلفی از قبیل فحش و ناسزا یا به صورت کلی استفاده از زبان به صورت نامناسب می‌شود.

باید به رفتارهای زبانی که از سوی جامعه تعیین می‌شود احترام گذاشت و بر طبق زبان معیار و مورد پسند جامعه واژگان را انتخاب کرد. شریفی (۱۳۸۸) نیز معتقد است یکی از ویژگی‌های تابو این است که فرهنگ‌وابسته است. عقاید فرهنگی به جوامع اولیه محدود نمی‌شود بلکه در فرهنگ‌های معاصر نیز دیده می‌شود. یکی از تابوهایی که تقریباً در اکثر جوامع و ملت‌ها مشترک است، واژگان مرتبط با سکس است که به صورت ممنوعه درآمده است. مابایا (۲۰۰۲) معتقد است که در زبان آفریقایی هم کلمات تابو شامل کلماتی مرتبط با سکس، اعضای بدن، مرگ، ازدواج، نام حیوانات و مانند آن است.

جامعه ایران به عنوان یک جامعه مذهبی از نوع سنتی و بسته دارای هنجارهای رفتاری و کلامی خاص خود است. مفاهیمی نظیر احترام به بزرگتر، الفاظ خطاب احترام‌آمیز و اجتناب از بیان مستقیم برخی مطالب زیستی یا عقیدتی باعث شده است تا برخی تابوهای خاص در این فرهنگ شکل بگیرد. چنان که اعتضادی و علمدار (۱۳۸۷، ص ۶۹) بیان می‌کنند، «تابوی زبانی در واقع یکی از انواع تابوی اجتماعی است که به ممنوعیت‌ها در رفتار زبانی اطلاق می‌گردد». در مقایسه با جوامع غربی، گفتار ایرانی‌ها در موقعیت‌های رسمی یا در گفتگو با بزرگترها یا کودکان بسیار کمتر حاوی مطالبی مانند روابط جنسی، کلمات رکیک، برخی الفاظ توهین‌آمیز یا صحبت درباره برخی اندامهای بدن یا ویژگی‌های زیستی مثل حاملگی و زایمان است. بسیاری از این مفاهیم در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تبدیل به نوعی تابو شده است و گویندگان از به کار بردن آنها اجتناب می‌کنند. از نظر

صمدی (۲۰۱۴)، در جامعه ایران جنسیت، کارکردهای بدنی، موضوعات مذهبی و موارد دیگر از قبیل مرگ و خرافات موضوعات حساس و قابل بحث می‌باشد.

مدرسی (۱۳۹۱) بیان می‌کند که زبان‌شناسانی مانند یسپرسن پدیده تابو را عامل تعیین‌کننده‌ای در پیدایش تفاوت‌های واژگانی و ساختاری میان زنان و مردان دانسته‌اند. از این دیدگاه، تفاوت‌های ساختاری و واژگانی میان زنان و مردان بیشتر به دلیل آن است که هر جنس از کاربرد اصطلاحات یا ویژگی‌هایی که به نوعی با جنس مخالف مرتبط گشته‌اند پرهیز می‌کند. تیموری (۲۰۱۲)، به نقل از صمدی، (۲۰۱۴) بیان می‌کند که کلمات تابوی ایرانی تقریباً تابوهای جنسینی هستند؛ به این معنا که جنس سخنگو تابو بودن یک کلمه را مشخص می‌کند، صرف‌نظر از شدت درجه تابویی آن. لیکاف (۱۹۷۳) هم عنوان می‌کند جنسیت نقش مهمی در استفاده از کلمات تابو بازی می‌کند.

میزان استفاده از تابوها، با در نظر گرفتن ارتباط گوینده و شنونده در بافت اجتماعی، متغیر است. مثلاً در جاهایی مانند کلیسا، مسجد و نیز در برنامه‌های تلویزیونی و سر میز شام از کاربرد برخی کلمات خودداری می‌شود. در حالی که در قمارخانه‌ها، اتاق‌های رختکن، زمین ورزشی و نیز گفتگوهای دوستانه استفاده از آنها آزاد است (شیخی، ۱۳۹۰، ص ۴). برای بعضی از واژگانی که تابو هستند معادل مناسب برای جایگزین کردن با آنها وجود ندارد.

تابوها به دو نوع تقسیم شده‌اند: زبانی و غیر زبانی. تابوی غیر زبانی همانطور که از نامش پیداست مربوط به حوزه واژگان زبان نیست. این تابو مربوط به رفتار افراد در جامعه است. گاهی یک رفتار و عملی در یک جامعه تابو می‌شود. مثلاً گاه، تفاوت در نحوه آرایش مو یک نوع تابوی غیر زبانی است. از تابوی غیر زبانی با نام تابوی رفتاری هم یاد می‌کنند. تابوی رفتاری مربوط حرکات بدن است. در بعضی مواقع، تابوی زبانی نتیجه مستقیم تابوی رفتاری است. تابوی زبانی مربوط به واژگان یک زبان است. استفاده از بعضی واژگان بنا به هر دلیلی می‌تواند قدغن شود. دسته بندی تابوها در همه جوامع یکسان نیست. به‌عنوان مثال در کشور انگلستان کلماتی که مربوط به سکس یا مذهب هستند تابو شده‌اند و در کشور چین بیان اسامی بزرگان بدون ذکر القاب رسمی توسط کهنتران ممنوع شده‌است (Zhou, 2010, p1). ارباب (۱۳۹۱) تابوهای زبانی را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱. تابوی زبانی فرهنگی، ۲. تابوی زبانی گروه مذهبی، ۳. تابوی زبانی سیاسی. این تابوها مطلق نیستند بلکه از جامعه‌ای به جامعه دیگر یا از گروه مذهبی به مذهب دیگر

فرق می‌کنند. رفتار یا واژه‌ای که در یک جامعه تابو شده‌است ممکن است در جامعه دیگر تابو نباشد. از منظری دیگر، اومامور (Omamor) (۱۹۸۱) تابوهای زبانی را به ۴ گروه تقسیم می‌کند: ۱. تابوهای مربوط به کثیفی‌ها (Cleansing effect)، ۲. مفاهیم خوف‌آور (Fear-related)، ۳. امور اشراف و شاهان (Royal-related) و ۴. تابوهای مربوط به روابط خانوادگی (Family relation). وارداف (۱۹۸۶) واژگان و عبارات شرم آور را به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی می‌کند: ۱. جنسی، مقاربتی، ۲. مرگ، ۳. عملکردهای جسمی، ۴. عوامل مذهبی، ۵. سیاسی و ۶. دفعیات بدن. همچنین خان و پرویز (۲۰۱۰)، به نقل از صمدی، (۲۰۱۴) کلمات موجود جامعه پاکستان را به سه گروه تقسیم کردند: ۱. تابوهای زبانی، ۲. غذا، ۳. تابوهای عفت.

۳. پیشینه

همانطور که آرلاتو (۱۳۸۴) بیان کرده‌است، تابوی زبانی رامی‌توان به پرهیز از کاربرد واژه‌هایی معین به دلایل اجتماعی گوناگون تعبیر کرد. گاهی پرهیز از کاربرد باعث می‌شود که یک صورت بی‌گناه که با آن هم‌آوا است، بطور کامل حذف شود یا از نظر واجی تغییر کند. مثلاً صفت gay در انگلیسی به معنای شاد و با نشاط است، ولی هم‌آوا و هم‌نویسه با اسمی است که برای مردان همجنس‌باز به کار می‌رود و بنابراین از کاربرد آن اجتناب می‌شود. پرهیز از کاربرد یک واژه ممکن است به دلایل مذهبی، خرافی، احترام فردی یا نگرش اجتماعی نسبت به اعمال جسمانی یا سایر مسائل باشد.

در داخل و خارج از کشور تحقیقات بسیاری در مورد تابوهای زبانی و ارتباط آن‌ها با فرهنگ، مذهب و سیاست صورت گرفته‌است، که به صورت مختصر به آنها پرداخته می‌شود. ابتدا تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور بیان می‌شود و سپس شرحی از تعدادی کارهای انجام‌شده در داخل کشور ارائه می‌شود.

هونگ‌سو و گوسن (Hongxu & Guisen) (۱۹۹۰) از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان به تابوهای زبانی در زبان چینی پرداخته‌اند. ایشان چگونگی به‌وجود آمدن تابوهای واژگانی و تأثیر آنها را بر روی زبان بررسی کردند. آن‌ها تابوها را به دو دسته تقسیم کردند. این دو دسته تابوهای زبانی خرد (Microlinguistic) و زبانی کلان (Marcolinguistic) نام گرفتند. تابوهای زبانی کلان واژگان ممنوعه‌ای در زمینه‌هایی مانند سکس و مذهب هستند و تابوهای زبانی خرد، واژگانی هستند که در بافت‌های مخصوص به کار می‌روند. آن‌ها تئوری‌های اخیر

جامعه‌شناسی زبان را برای تحلیل تابوهای زبانی مورد بررسی قرار دادند و از دیدگاه‌های زبان‌شناسان معاصر الهام گرفتند و در آخر یک چارچوب بافتی برای آنالیز کلمات تابو و اصطلاحات تابو در زبان چینی پیشنهاد کردند.

الخطیب (۱۹۹۵) تابوهای زبانی جامعه عربی را آنالیز کرد. الخطیب در تحقیقش استفاده از تابوها را توصیف کرد و در آخر به این نتیجه رسید که عوامل اجتماعی-فرهنگی تعیین‌کننده تعابیر به‌گویی است که می‌توانند جایگزین واژگان تابو شده قرار گیرند. همچنین، افیده (Affidah) و همکاران (۲۰۰۰) تابوهای زبانی را در میان دو جامعه مالای (Malays) و ایبن (Ibans) مورد مطالعه قرار دادند. نتایج بدست‌آمده از این تحقیق حاکی از آن بود که بسیاری از پاسخ‌دهندگان عقیده داشتند که واژگان تابو شده نباید در محافل عمومی بی‌پرده مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر این، فرهنگ، قوانین و ادب نقش اصلی را در ممنوعیت واژگان تابو شده ایفا می‌کنند.

مابایا (Mabaya) (۲۰۰۲) برای بررسی تابوهای زبانی در بافت ازدواج، به مطالعه اروما لاگو (Oromo Lagu) در آفریقا پرداخته است که زن و مرد بعد از ازدواج نباید بعضی کلمات را به زبان بیاورند. این تحقیق در مورد فرهنگ اروما صورت گرفته است. نتایج او نشان داد که در قسمت شهرنشین، فرهنگ اروما بسیار تغییر کرده است و در قسمت روستایی آن این فرهنگ همچنان پا بر جاست که زن و مرد بعد از ازدواج نباید بعضی از واژگان را به زبان بیاورند.

سایفرید (Seifried) (۲۰۰۶) به دنبال یافتن تابوهای زبانی در جامعه آمریکا بود. او معتقد بود تابوهای کلامی شامل تعداد محدودی از حوزه‌های جنسی و عملکردهای جسمی می‌شوند که بطور کلی در تمام فرهنگ‌های متفاوت شکل گرفته است. سایفرید مقایسه‌ای هم میان تابوهای کلامی قدیمی با همتای امروزی آنها در فرهنگ‌های متفاوت انجام داد و به این نتیجه رسید که نسبت به گذشته، آمریکایی‌ها امروزه آزادی بیشتری در استفاده از تابوهای کلامی دارند.

قنبر (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان مطالعه جامعه‌شناسی تابوهای زبانی در یمن انجام داد و به بررسی تابوهای زبانی در جامعه یمن در ارتباط آن‌ها با بافت اجتماعی که مورد استفاده قرار می‌گیرد پرداخت. اوضمن بررسی تابوهای زبانی این جامعه به این نتیجه رسیده است که کلماتی که در یک فرهنگ تابو واقع می‌شوند، ممکن است در فرهنگ یا جامعه دیگری خنثی باشند. تابو وابسته به فرهنگ هر جامعه می‌باشد.

فکواید (Fakuade) (۲۰۱۴) تابوهای زبانی جامعه ایگبو (Igbo) را بررسی کرد. او به طبقه‌بندی فاکتورهای اجتماعی فرهنگی در استفاده از تابوهای زبانی پرداخته‌است. او تابوهای زبانی جامعه ایگبو را به پنج طبقه تقسیم کرده‌است. نتایجی که فکواید عنوان به‌دست آورد نشان می‌دهد که وقتی مذهب و ادب با یکدیگر در ارتباط هستند، تابوهای زبانی مطرح نمی‌شوند و شق‌های مجاز ندارند زیرا آنها با خدایان متفاوت ایگبو، اخلاقیات، تکریم‌ها و مفاهیم خوف‌آور مرتبط هستند.

همچنین کمال و ازهر (۲۰۱۰) به بررسی تابوهای زبانی در پاکستان پرداختند. جامعه آماری به دو گروه سنی جوان و مسن تقسیم شدند. با توجه به نتایج بدست‌آمده گروه جوانان هیچ ترس و اجتنابی در استفاده از تابوهای زبانی نداشتند. خورشید (۲۰۱۳) نیز به بررسی جامعه‌شناسی تابوهای زبانی در جامعه پشتو پرداخته‌است. او تابوهای جامعه پشتو را در ارتباط با بافت اجتماعی که آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند و فاکتورهای تأثیرگذار فرهنگی و اجتماعی استفاده آنها را مورد بررسی قرار داد. خورشید مقوله‌های مختلف تابوهای زبانی را در جامعه پشتو و راهکارای استفاده آنها را توسط سخنوران مورد آزمایش قرار داد. نتایجی که از این تحقیق کسب شد این بود که بعضی از تابوهایی که مرتبط با اسلام است در جامعه‌های مسلمان دیگر هم دیده می‌شود.

اما در ایران، ابهریان آزادی (۱۳۸۹)، به نقل از شیخی (۱۳۹۰) نیز در تحقیق خود واژه‌ها و دشواژه‌ها در دو زبان فارسی و ترکمنی آذربایجانی را بررسی کرده‌است. وی در این پژوهش، علاوه بر بررسی ارتباط مؤلفه‌های جنسیت با کاربرد واژه‌ها و دشواژه‌ها، تأثیر عوامل اجتماعی دیگری از جمله قومیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی حوزه معنایی و حوزه کاربردی را نیز در کاربرد متغیرهای زبانی مطالعه کرده‌است. ابهریان، پس از بررسی داده‌های به دست‌آمده، به این نتیجه رسیده‌است که میان جنسیت، قومیت، حوزه‌های معنایی و حوزه‌های کاربردی و میزان کاربرد واژه‌ها و نیز میان عامل اجتماعی تحصیلات و میزان کاربرد رابطه معناداری وجود دارد. اما این رابطه معنادار میان سطح تحصیلات و میزان کاربرد دشواژه‌ها وجود ندارد؛ همچنین میان عامل اجتماعی، وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد واژه‌ها رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که میان وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد دشواژه‌ها رابطه‌ای وجود ندارد.

شکیبا (۱۳۸۶) به بررسی ارتباط میان متغیرهای اجتماعی (جنسیت، سن، تحصیلات) و برخی دشواژه‌ها در گفتار فارسی زبانان تهرانی پرداخته‌است. نتایج به دست‌آمده در این

پژوهش بیانگر آن است که در جامعه فارسی‌زبانان تهرانی، مردان بیشتر از زنان از تابو استفاده می‌کنند. گروه زنان حساسیت بیشتری نسبت به رفتار زبانی خود دارند و زنان تحصیل کرده سعی می‌کنند مؤدبانه‌تر صحبت کنند. در نتیجه ویژگی‌هایی که اعتبار اجتماعی چندانی ندارند، در گفتار آنها کم‌تر وجود دارد. شیخی (۱۳۹۰) نیز به بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی پرداخت و به این نتیجه رسید که میزان کاربرد دشواژه‌ها در میان مردان بیشتر از زنان است.

در نتایجی همسو با همین یافته‌ها، ارباب (۱۳۹۱) دشواژه‌های رایج فارسی در بین زنان و مردان و تفاوت‌های موجود در نحوه استفاده از آنها را بررسی کرده‌است. هدف پژوهش او طبقه‌بندی دشواژه‌ها و بررسی تفاوت‌های موجود در نحوه استفاده از دشواژه‌ها میان زنان و مردان بود. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید آن بود که دشواژه‌هایی که در آنها از واژه‌های جنسی استفاده می‌شود نسبت به سایر حوزه‌ها بیشتر است و مردان بیشتر از زنان دشواژه به کار می‌برند و میان استفاده از دشواژه‌ها و بافت کاربردی در بین زنان و مردان تفاوتی دیده نمی‌شود.

همانطور که عنوان شد تحقیقات بسیاری در زمینه تابو چه در داخل کشور و چه در خارج کشور صورت گرفته است. هریک از این تحقیقات به بخشی از تابو در جامعه بخصوصی پرداخته‌است. پژوهش حاضر تابو را از منظر کاربرد در میان گروه سیاسی و گروه مذهبی مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد. تاکنون در این زمینه تحقیقی در داخل کشور صورت نگرفته‌است.

۴. روش و پرسش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع پیمایش است. روش گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است. در این تحقیق توصیفی، تحلیل محتوا بصورت نظام‌مند انجام شده‌است و شامل بررسی منابع صوتی-تصویری از قبیل نوار و فیلم سخنرانی‌های تلویزیونی یا برگردان آنها در متن‌های مکتوب در روزنامه‌ها و مجلات یا سایت‌های اینترنتی است. منظور از سخنرانی تلویزیونی آن نوع از سخنرانی‌هاست که با توجه به حضور دوربین صداوسیما در حین سخنرانی، انتظار گوینده این است که سخنرانی او از تلویزیون به طور زنده یا ضبط‌شده پخش خواهد شد و بنابراین مخاطب خود را مخاطب ملی در نظر می‌گیرد. در گردآوری اطلاعات، از فضای مجازی استفاده شده‌است. برنامه‌های

تلویزیونی که مربوط به گروه سیاسی است شامل سخنرانی‌ها و مناظره‌ها است و برنامه‌های تلویزیونی گروه مذهبی شامل سخنرانی‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، و برنامه درس‌هایی از قرآن شبکه یک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است. جنسیت افراد مورد بررسی در این پژوهش مذکر است. در این پژوهش، بازه زمانی برنامه‌های مورد استفاده مربوط به دهه ۶۰ تا حال (دهه ۹۰) بوده است.

در گردآوری داده‌ها از فیش استفاده شده است و عین مطلب بصورت مستقیم نقل قول شده است. هفتاد برنامه به صورت اتفافی و تصادفی انتخاب شده است. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری مادر یا پایه استفاده شده است. تعداد بیشتری برنامه به صورت پایه انتخاب شده است و از درون آن برنامه‌ها ۷۰ نمونه به صورت تصادفی جمع‌آوری شده است. ۳۵ برنامه از گروه سیاسی بوده و ۳۵ برنامه دیگر از گروه مذهبی انتخاب شده است. در بررسی تابوهای موجود در میان گروه سیاسی و گروه مذهبی از تجزیه و تحلیل کیفی استفاده شده است. هدف از این بررسی، یافتن فراوانی انواع تابوهای زبانی در میان گروه سیاسی و گروه مذهبی بوده است، که این امر طبق معیارهای کیفی صورت گرفته است. در قسمت مقایسه تابوهای موجود میان گروه سیاسی و گروه مذهبی از روش تجزیه و تحلیل کمی استفاده شده است. به بیان دیگر، تحقیق حاضر به این پرسش می‌پردازد که اولاً فراوانی انواع کاربرد تابوها در سخنرانی‌های مذهبی و سیاسی چگونه است و ثانیاً آیا بین فراوانی کاربرد انواع تابوها در سخنرانی‌های رجال مذهبی و سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت، تابوهای مورد استفاده میان دو گروه مذهبی و سیاسی بررسی شده است. ابتدا تابوهای به کار رفته در میان گروه مذهبی سپس تابوهای مورد استفاده گروه سیاسی بیان می‌شود. سپس این دو گروه با یکدیگر مقایسه می‌شود.

جملاتی که در سخنرانی‌ها و مناظرات دارای تابو هستند انتخاب شده است. تابوها در این جملات مشخص شده است و در مورد بعضی از این جملات واژه‌های جایگزین این تابوها (صورت‌های غیرتابو) نیز ارائه شده است. محققان حاضر می‌توانستند همچون بسیاری از پژوهشگران پیشین، به‌عنوان گویشور بومی زبان و اهل فرهنگ ایرانی، از شَم زبانی خود برای تشخیص تابوها استفاده کنند. با این وجود و به‌منظور اجتناب از تحلیل سلیقه‌ای، در این تحقیق برای دسته بندی تابوها از دسته بندی ارباب (۱۳۹۱) استفاده شده است.

ارباب (۱۳۹۱) در تحقیقی که انجام داده است تابوها را به ۱۱ حوزه طبقه‌بندی کرده است. این حوزه‌ها در جدول زیر نشان داده شده‌اند. لازم به ذکر است که برخی از این نمونه‌ها می‌تواند تداعی‌گر ناسزا و توهین مستقیم به افراد به ویژه مخاطب باشد، اما لزوماً همیشه این کاربرد را ندارند و در بیان برخی وقایع و اخبار در بافت‌های خاص بدون قصد توهین نیز به کار می‌روند.

جدول ۱. طبقه‌بندی تابوها برگرفته از ارباب (۱۳۹۱)

نمونه دشواژه	حوزه واژگانی
سرطان - سادیسمی - کر - مریض...	بیماری‌ها
بی ناموس - گشاد - دیوث...	جنسی
چهل پدر - زن زنازاد - عمه ننه...	جنسی - خانوادگی
پشگل - ان ترکیب - گوز پیچ...	حالات دفعی
ابله - خرفت...	حالات روانی - جسمی
خر - گاو - گوساله...	حیوانات
پدرسگ - مادرسگ...	حیوانات - خانواده
بیوه - بی پدر و مادر - پدر سوخته...	خانواده
زرشک - سیرابی - شلغم...	خوراک
بشکه - در پیت - گوشکوب...	ظروف
دروغگو - بی همه چیز - ولگرد - بدبخت...	عمومی
جسد - جنازه - مرده شور - لال بمیر...	مرگ
بی‌دین - حروم‌زاده - حروم لقمه...	مذهب

۱.۵ تابوهای به کار رفته در میان گروه مذهبی

در مجموع، ۳۵ سخنرانی از گروه مذهبی بررسی شده است. جملاتی که در آنها تابو به کار رفته است در زیر آورده شده است. زیر کلمه یا عبارتی که تابو است خط کشیده شده است.

۱.۱.۵ حوزه عمومی

- مستراح خانه ایرانی نباید رو به طرف کعبه باشد.
معمولاً به جای این واژه از معادل دستشویی استفاده می‌شود.

- آدم می تواند پرونده را جردهد.
- معادل آن پاره کردن است.
- نعره می کشی.
- معنی که از این کلمه استنباط می شود منفی می باشد. معادل این واژه فریاد است.
- دو برابر این وارثین می خورند و هنوز عیاشی می کنند.
- معادل این واژه خوش گذرانی است.
- حالا جلوی پیغمبر که آبروی ما رفته است، پهلوی شهدا هم خیط هستیم.
- معادل این واژه، کلمه شرمنده است.

۲.۱.۵ حوزه خانواده

- اطرافیان را می بینم و با خود می گویم گور بابای واقع بینی.
- شاید به جای آن بتوان مثلاً گفت: باید واقع بینی را رها کنم.
- گور بابای روح توافق، کلاً او با ما به روح اعتقاد دارد یا خیر؟
- یعنی: روح توافق را باید فراموش کنیم.
- آدم دختر را باید از پارک انتخاب کند؟ ننه اش کیست؟ باباش کیست؟

۳.۱.۵ حوزه مرگ

- ما فکر می کنیم اگر قلمبه گفتیم، جان مردم را کنندیم، حالا علمی می شویم.
- جان کنند استعاره از به ستوه آوردن می باشد.
- مثل مرده شور که خود دیگر گریه نمی کند.
- معادل این کلمه غسّال است.

۴.۱.۵ حوزه جنسی

- حالا اگر مسلمان نباشد می توان گفت زناکار است، فلانی لواط [کار] است؟
- اسرائیلی ها در شهوت همچون خوک و در درندگی همچون سگ هار هستند.
- بینم این چشم چرانی ها و ولنگ و واری ها ضربه علمی به دانشجو می زند یا نه؟
- معادل آن نظر بازی و بی بندوباری است.

- کسانی هستند که چشم‌چرانی می‌کنند.
- در فرهنگ اسلامی شهوت به رسمیت شناخته شده است، شهوت گناه نیست.
- فرق ازدواج با زنا در چیست؟ در کشورهای دیگر زنا با محارم بعد با حیوانات و بعد با اشیاء انجام میشود.
- آنها میخواهند یک سکس صوفیانه در بیاورند، سکس با محمل تصوف.

۵.۱.۵ حوزه حیوانات

- صهیونیست‌ها و اسرائیلی‌ها و مقامات این رژیم حیوان به تمام معنا و ولگرد هستند. که هر کاری بخواهند انجام می‌دهند.
- نسبت دادن الفاظ مخصوص حیوانات به انسان‌ها تابو می‌باشد. ولگرد نیز واژه‌ای است که برای حیواناتی مانند سگ به کار می‌رود.
- بعضی از انسان‌ها از چهارپا هم بدترند.
- نسبت دادن صفت حیوان به انسان تابو است.
- اسرائیلی‌ها در شهوت همچون خوک و دردردنگی همچون سگ‌ها هستند.
- تابوهای این جمله شهوت، خوک، دردردنگی و سگ است.
- این خوی دردردنگی و سگی و خوکی مال اسرائیلی‌هاست.
- تابوهای این جمله خوی دردردنگی، سگی، خوکی می‌باشد.
- وظیفه من و شما این است که گوسفند نباشیم و از تاریخ اطلاع داشته باشیم. منظور بی اطلاع بودن است.

۶.۱.۵ حوزه روانی جسمی

- بهراستی که ابلهان انسان‌های خوشبختی هستند.
 - بعضی از بندگان درگاه الهی بسیار خرفت هستند.
 - یک سید خلی پیدا شد و حرف‌هایی زد.
- جملائی که در بالا بیان شد از ۳۵ سخنرانی گروه مذهبی است که جمع‌آوری شده است. در ۱۶ سخنرانی از تابو استفاده شده است و ۱۹ سخنرانی فاقد تابو بوده است. طبق آمار

مقایسه گرایش سخنرانان مذهبی و سیاسی به کاربرد انواع تابوها ... ۷۹

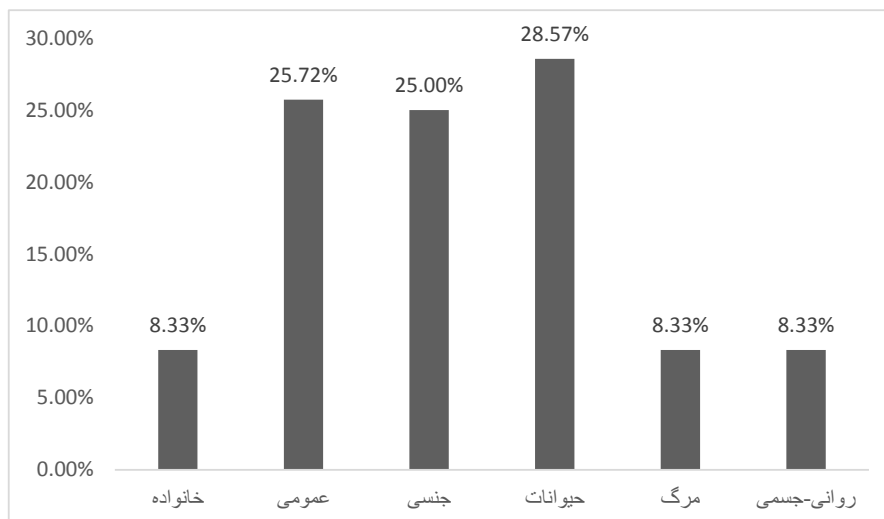
بدست آمده ۵۵٪ از سخنرانی‌های گروه مذهبی فاقد تابو بوده‌است و ۴۵٪ از گفته‌های گروه مذهبی دارای تابو است.

تابوهای به کار رفته در این جملات بر اساس حوزه واژگانی مناسب در جدول ۲ ارائه شده‌است.

جدول ۲. دسته‌بندی تابوهای به کار رفته در میان گروه مذهبی

خانواده	ننه - گوربابای ..
عمومی	عیاشی - خیبط - مستراح - تف - جر - نعره
مرگ	مرده شور - جان کندن
جنسی	زناکار - لواط - شهوت - ولنگ و وار - چشم‌چران - زنا - سکس
حیوانات	حیوان - چهار پا - ولگرد - درندگی - سگی - خوکی - هار - گوسفند
روانی - جسمی	ابله - خرفت - خل

همانطور که در جدول بالا نشان داده شده‌است، بیشترین تابوی به کار رفته توسط گروه مذهبی مربوط به حوزه واژگانی عمومی و حیوانات بوده‌است و کمترین تابوی به کار رفته مربوط به حوزه واژگانی روانی - جسمی و خانواده بوده‌است. فراوانی تابوها در حوزه‌های واژگانی به کار رفته در نمودار ۱ نشان داده شده‌است. در این گروه، نمونه‌ای از تابوهای حوزه‌های بیماری‌ها، حالات دفعی، خوراک و ظروف یافت نشد.



نمودار ۱. فراوانی کاربرد تابو در میان گروه مذهبی

۲.۵ تابوهای به کار رفته در میان گروه سیاسی

در مجموع، ۳۵ سخنرانی از گروه سیاسی بررسی شده است. در این قسمت، جملاتی از این سخنرانی‌ها که در آنها تابو به کار رفته است ارائه می‌شود. زیر کلمه یا عبارتی که تابو است خط کشیده شده است.

۱.۲.۵ حوزه حیوانات

- تحریم‌ها علیه ایران و وحشیانه است.
- معادل بی‌نشان آن ظالمانه است.

۲.۲.۵ حوزه عمومی

- رئیس‌جمهور را دروغگو و بی‌عقل خواندند و گفتند که رئیس‌جمهور نمی‌فهمد.
- این دولت متحجر و خرافات‌پسند است.
- شما به هرکی اینجا آمده پریدید و بی‌ادب هستید.
- یک دسته از دانشمندان حمال بودند تا به زبان آنها علم تولید کنند.
- کسانی هستند که آموزش عالی را به لجن کشیده‌اند.

۳.۲.۵ حوزه روانی جسمی

- ایشان که هیچی حالیش نیست.

۴.۲.۵ حوزه واژگانی مذهب

- با این اوصاف حرامزاده خواندن رئیس جمهور قانونی یک کشور چه مبنای قانونی، عرفی و شرعی می تواند داشته باشد؟
- اساس بورس بر پدیده ای به نام قمار است.

۵.۲.۵ حوزه جنسی

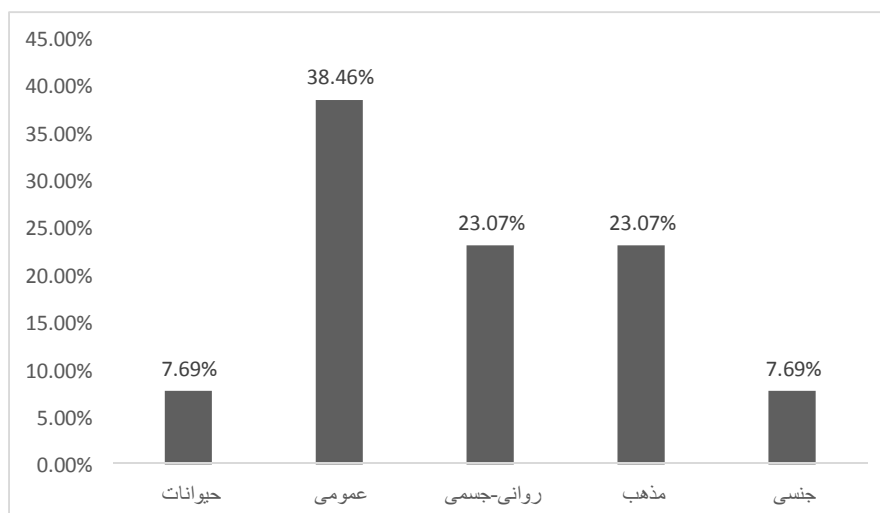
- خانم ها هم باید چشم هایشان را ببندند و چشم چرانی نکنند.
- جملاتی که در بالا آمده است، از ۳۵ سخنرانی گروه سیاسی است که جمع آوری شده است. ۱۲ سخنرانی و مناظره دارای تابو بوده اند و ۲۳ سخنرانی فاقد تابو بوده است. طبق آمار به دست آمده ۶۶٪ از گفته های گروه سیاسی فاقد تابو بوده است و ۳۴٪ از گفته های گروه سیاسی دارای تابو می باشد.
- تابوهای به کار رفته در این جملات بر اساس حوزه واژگانی مربوطه در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. دسته بندی تابوهای به کار رفته در میان گروه سیاسی

حیوانات	وحشیانه
عمومی	دروغگو - خرافاتی - به هر کس پریدید - لجن - حمّال
روانی - جسمی	بی عقل - حالیش نیست - خرفت
مذهب	حرام زاده - قمار - ربا
جنسی	چشم چرانی

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود بیشترین تابوی به کار رفته مربوط به حوزه واژگانی عمومی و بوده است و کمترین تابوی به کار رفته مربوط به حوزه جنسی و حیوانات می باشد. در این گروه، نمونه ای از تابوهای حوزه های بیماری ها، حالات دفعی،

خوراک، ظروف و مرگ یافت نشد. فراوانی تابوها در حوزه‌های واژگانی به کار رفته در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳. فراوانی کاربرد تابو در میان گروه سیاسی

پس از بررسی دو گروه سیاسی و مذهبی به منظور تحلیل نهایی ارقام بدست آمده، جدولی برای مقایسه دو گروه ترسیم شده است.

جدول ۴. مقایسه میزان کاربرد تابو در گروه سیاسی و مذهبی

گروه‌ها	تابو	فاقد تابو
مذهبی	٪ ۴۵	٪ ۵۵
سیاسی	٪ ۳۴	٪ ۶۶

در جدول بالا نشان شده است که تابوهای به کار رفته در میان گروه مذهبی ۴۵٪ است و تابوهای به کار رفته در گروه سیاسی ۳۴٪ است. میزان استفاده از تابوها در گروه مذهبی بیشتر از گروه سیاسی است.

۶. نتیجه گیری

در بررسی‌های زبان‌شناختی توجه به بعد اجتماعی زبان بسیار حساس و بااهمیت است. استفاده از رفتار زبانی مناسب در موقعیت‌های حساس اجتماعی-مذهبی و اجتماعی-سیاسی بسیار حائز اهمیت است. با این وجود، در سخنرانی‌های مذهبی و سیاسی گاه به عمد و با اهداف خاص برای تأثیرگذاری و گاه از سر بی‌دقتی یا عصبانیت و شتاب، افراد از این هنجارهای اجتماعی عدول می‌کنند و از تابو در کلام خود استفاده می‌کنند. تحلیل داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در ۴۵٪ از سخنرانی‌های گروه مذهبی مورد بررسی و در ۳۴٪ سخنرانی‌های گروه سیاسی، از تابو استفاده شده است. این ارقام به‌دست آمده نشان می‌دهد که گروه مذهبی نسبت به گروه سیاسی از تابوی بیشتری استفاده می‌کنند. این مسأله شاید به علت رسمیت بیشتر سخنرانان سیاسی و محدودتر بودن حوزه موضوعات مورد بحث در کلام ایشان باشد. بی‌شک، سخنران مذهبی ناچار از ورود به برخی زوایای زندگی بشری و سخن گفتن درباره مسائلی است که در کلام عادی افراد از آن اجتناب می‌کنند. همچنین سطح مسئولیت اجتماعی سخنرانان سیاسی اغلب بالاست است و ایشان ملزم به رعایت قواعد خاص طبقه صنفی و سیاسی خود و احتیاط مفرط در سخن هستند.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که تعداد کلمات و جملات دارای تابو در سخنرانی‌ها چندان زیاد نیست. به‌عنوان مثال، در یک سخنرانی از گروه مذهبی که بیشترین تابو را دارا بوده است فقط در ۴ جمله آن تابو به کار رفته بود و در هر جمله حداکثر تابو ۴ کلمه بوده است. تعداد جملات دارای تابو در میان گروه سیاسی کمتر از گروه مذهبی بوده است و به‌عنوان مثال، بیشترین تابوهای به کار رفته در یک سخنرانی یا مناظره ۲ جمله بوده است و در هر جمله فقط ۲ تابو به کار رفته است. بیشترین تابوهای به‌دست آمده در گروه سیاسی مربوط به مناظرات می‌باشد و در بسیاری از سخنرانی‌ها تابوی زبانی وجود نداشت.

نقطه اشتراک میان گروه سیاسی و گروه مذهبی در استفاده از تابوهای زبانی، مربوط به حوزه واژگانی تابوهای به‌کاررفته توسط آنها است. هر دو گروه از تابوهای موجود در حوزه واژگانی عمومی نسبت به حوزه‌های دیگر بیشتر استفاده کرده‌اند. تابوهای زبانی بصورت مستقیم توسط هر دو گروه استفاده شده است. هیچ‌کدام از این دو گروه به‌صورت غیرمستقیم اشاره به تابوهای زبانی نکرده‌اند. برخی از حوزه‌های مشخص شده در طبقه‌بندی تابوها در هیچ‌یک از سخنرانی‌های دو گروه مشاهده نشد. تحقیق بیشتر در این زمینه می‌تواند به

بررسی علل کاربرد تابوها در سخنرانی‌ها پردازد. در این زمینه چارچوب‌ها و طبقه‌بندی‌های تحلیل‌گفتمان انتقادی نیز می‌تواند یاریگر محقق باشد.

کتاب‌نامه

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه: یحیی مدرسی. تهران: سمت.
- ارباب، سپیده (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۲، زمستان ۱۳۹۱. صص ۱۰۷-۱۲۴.
- اعتضادی، شیدا و علمدار، فاطمه سادات (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران». *مطالعات راهبردی زبان*، دوره ۱۱، ش ۴۱ (پاییز ۱۳۸۷). صص ۶۵-۹۶.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۹۰). «زبان بعنوان یک رفتار اجتماعی»، *بخارا*، سال چهاردهم، شماره ۸۰ فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، صص ۱۰۹-۱۱۷.
- بلور، مریل و بلور، توماس (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر روند تحلیل‌گفتمان انتقادی*، ترجمه: علی رحیمی و امیر حسین شاه‌بالا، تهران: جنگل.
- پاک‌نهاد، مریم (۱۳۸۱). *فراست‌ی و فرودستی در زبان*، تهران: گام نو.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *درآمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه: محمد طباطبایی، تهران: آگه.
- شریفی، شهلا و دارچینیان، فهیمه (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسانی*، دوره، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۲۷-۱۴۱.
- شکیبا، نوشین (۱۳۸۶). «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی»، نشریه *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۱-۱۵۵.
- شیخی، ته‌مین (۱۳۹۰). «بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی»، *زبان‌شناخت*، دوره ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۱-۲۴.
- فروید، زیگموند (۱۳۶۲). *توت‌م و تابو*، ترجمه ایرج پوری‌اقر، تهران: نشر آسیا.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یعقوبی، حسین (۱۳۸۳). *زبان، ترجمه و ارتباط فرهنگ‌ها*، تهران: نشر مرکز.
- یول، جورج (۱۳۷۳). *بررسی زبان*، ترجمه: اسماعیل جاویدان و حسین وثوقی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- یول، جورج (۱۳۸۳). *کاربردشناسی*، ترجمه: محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران: سمت.

- Affidah, M; Aiza, J. & Johhany, A. & Kamaruzaman, J. (2000). "The linguistic taboo between Malaya's and Ibans of Sarawak", *Journal of Canadian social science*, Vol. 5, No.2, pp. 141-158.
- Alkhatib, M. (1995). "A Sociolinguistic view of linguistic taboo in Jordanian Arabic". *Multilingual and multicultural development*. Vol.16. No.6. pp 443-457.
- Burridge, K. (2006) "Taboo Words", In Brown, K. (2006) *Encyclopedia of Language and Linguistics*. pp 452-455. Oxford: Elsevier Ltd.
- Fakuade, A. (2014). "Linguistic taboo in the IGBO society: a sociolinguistic investigation". <https://www.researchgate.net/publication/270450938>, retrieved 2 May, 2018.
- Hongxu, H; Guisan, T. (1990). "A sociolinguistic view of the linguistic taboo in Chinese". *International journal of the sociology of language*. vol.1990. issue.81. pp 11-30
- Jay, T. (2000). *Why we curse: a neuro-psycho-social theory of speech*. Amsterdam: The Netherlands: John Benjamin B. V
- Kamal, M. K. & Parviz, A. (2010). "A Descriptive Analysis of Diminishing Linguistic Taboos in Pakistan." *Journal of language in India*, Vol. 10, No. 8. pp168-179.
- Khorshid, A. (2013). A sociolinguistic study of the linguistic taboo in the Pashton society. *International researcher*. vol.2. no.1. pp 36-41.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's Place*. New York: university of California, Berkely.
- Mabaya, M. (2002). "Linguistic taboo in African Marriage content: a study of Oromo language". *Nordic journal of African studies*. 11 (2). pp 222-235.
- Omamor, A. P. (1981). "Some taboo expression in western delta of Nigeria". *African Notes*. vol.9. no.1. 125-137
- Qanbar, N. (2011). "A sociolinguistic study of the linguistic taboos in Yemeni society". *Modern Journal of Applied Linguistic*. Vol. 3. Issue2/3. Summer 2011.
- Sabri, Q. (2007). *Taboo in advertising conceptualization, taxonomy and scale development*. In Jakki J. Mohr and Robert J. Fisher ed. (2007). *American Marketing Association (AMA) Summer Educators' Conference Proceedings, 2007, Washington, United States*. Volume 18, pp.30-40.
- Said, N. E. (2011). *Politeness strategies in request: the case of Elfhoul speech community*. MA thesis: Aboubakr Belkaid University.
- Samadi, Z. (2014). *Macro and micro contextual taboo words in Iranian pre and post revolution movie*. MA thesis: University of Malaysia.
- Seifried, B. (2006). *Taboo: cultural phenomenon Headed for Extinction?* M.A Dissertation: Georgia State University.
- Teymori, V. (2012). "A Review of Taboo in Iranian Literature". *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2, 8, pp. 7949- 7955.
- Wardhaugh, R. (1986). *An Introduction to Sociolinguistics*. New York: McGraw Hill.
- Zelizer, Viviana A. 1978. "Human Values and the Market: The Case of Life Insurance and Death in 19th-Century America." *American Journal of Sociology*, 84(3): 596-610. Zelizer, Viviana A. 1981. "The Price and Value of Children: The Case of Children's Insurance." *American Journal of Sociology*, 86(5): 1063-56.

Zhou, N. (2010). Taboo language on the internet, an analysis of gender difference in using taboo language. MA thesis Kristianstad University, School of Teacher Education.